

## بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۳۰ خرداد ۱۳۹۲

### آیه‌ی مورد بحث

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

#### فلسفه‌ی تقدم خلقت ابليس نسبت به خلقت آدم ابوالبشر علی نبینا و آله و علیه السلام

بر حسب نقل مفسرین، مورد نزول این آیه‌ی شریفه از سوره‌ی مبارکه‌ی قصص، این است که خدای متعال جریان فرعون را برای رسول بزرگوار خود بیان کند. قبل از این آیه‌ی کریمه حق تعالی می‌فرماید: "إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا". از مطالب قطعی که قرآن کریم هم به آن صراحت دارد، این است که خلقت حضرت آدم ابوالبشر علی نبینا و آله و علیه السلام بعد از خلقت شیطان و ابليس صورت گرفته است. مردم نوعا نمی‌دانند که حکمت خلقت ابليس چه بوده و یا تقدم خلقت شیطان بر خلقت آدم چه حکمتی داشته است.

با توجه به آیات قرآن می‌توان دریافت که خلقت آدم به چه منظور بوده است. بعد از خلقت آدم برای ابليس مشکل به وجود آمد و به خدای متعال عرض کرد: "خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ". اگر خلقت آدم مطرح نمی‌شد، نه ابليس به این درد مبتلا می‌شد که مورد عتاب حق تعالی قرار بگیرد: "فَأَخْرَجَ فَإِنَّكَ رَجِيمٌ" و نه انسان‌ها و فرزندان حضرت آدم به اضلال و گمراه‌کنندگی ابليس مبتلا می‌شدند. در نتیجه‌ی این خلقت بود، که گروهی سزاوار جهنم و گروهی شایسته‌ی بهشت شدند.

به قرآن که مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که خدای متعال در مورد حکمت خلقت حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام به ملائکه می‌فرماید که من اراده کردم، در زمین جانشینی برای خود داشته باشم، لذا در صدد خلقت حضرت آدم برآمدم. سؤال ملائکه و فرشتگان از حق تعالی، که این موجود را برای چه می‌خواهی خلق کنی، ناشی از مقصر بودن آن‌ها نبود. آن‌ها آدم و خلیفه‌ی الله ندیده بودند؛ فرشتگان حق تعالی بودند، که هر کدام بر حسب وظیفه‌ای که از سوی حق تعالی پیدا کرده بودند، یک نوع عبادت می‌کردند. گروهی در حال رکوع، گروهی در حال سجود، گروهی در حال قیام و گروهی در حال گفتن ذکر بودند.

خدای متعال می‌فرماید من بندگانی نمی‌خواهم که برای من ذکر بگویند و عبادت و تقدیس کنند، بلکه من اراده کرده‌ام، که آدم را خلق کنم، تا در زمین جانشین و خلیفه‌ی الله داشته باشم. گرچه حق تعالی پاسخ فرشتگان را داده است، اما از آن‌جا که خدای متعال خالق فرشتگان است، خود می‌داند که با این پاسخ باز هم آن‌ها نفهمیدند که حقیقت این جواب، یعنی علت و حکمت خلق آدم چیست. فرمود: "أَنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ". اگر ما بخواهیم با این حقیقت کمی آشنا بشویم، باید به این مثال در زندگی مادی خود توجه کنیم.

فروشنده یک مغازه‌ی بزازی که انواع پارچه‌ها را دارد، اگر عاقل باشد، هنگام مراجعه مشتری، ابتدا پارچه‌های نامرغوب را به او عرضه می‌کند. زیرا تا مشتری با پارچه‌های با کیفیت پایین آشنا نشود، ارزش جنس با کیفیت بالا را درک نمی‌کند. پس از درخواست مشتری برای جنس مرغوب‌تر فروشنده آن‌را عرضه می‌کند. این نکته بسیار ظریف است و غالبا از این نکته غافل‌اند.

## مختار و مکلف بودن موجودات دیگر غیر از انسان

خدای متعال مخلوق مختار خلق کرده است. اجنه همه مختارند و تکلیف دارند. آن‌ها مرجع تقلید هم دارند. شیعه‌هایشان در ایام عاشورا روضه خوانی و عزاداری می‌کنند. این مطالب ثابت شده است. در یک حالت مکاشفه‌ای که برای مرحوم آشیخ مرتضی زاهد به وجود آمده بود، ایشان صدای نوحه‌خوانی اجنه را که از شیعیان بودند شنیده بود و در جایی که هیچ انسانی وجود نداشت، دیده بود که شبیه به یک جمعیت چند هزار نفری، شب عاشورا این‌ها سینه می‌زنند و این جمله را می‌گویند که "هذا عزاک یا حسین روحی فداک یا حسین". آشیخ مرتضی به منزل ما تشریف آورد و رؤیت خود را برای مرحوم حاج آقا نقل کرد. از آن وقت تا چند سالی که زنده بود، مقید بود که شب عاشورا روی منبر، سینه می‌زد و همین یک خط شعر که نوحه‌ی شیعیان اجنه بود، را چند بار می‌خواند و سینه می‌زد.

## فلسفه‌ی خلقت شیطان

گاهی در رسانه‌ها، از جمله در رادیو معارف، توسط آدم‌های خوب ولی نادان، که دروس لازم برای پاسخگویی به این سؤالات را نخوانده‌اند، مطرح می‌شود که شیطان اگر خوب است، چرا خدای متعال او در جهنم می‌اندازد و اگر بد است چرا او را خلق کرده است. این شیطانی که قبل از انسان خلق شد و خود را مخلوق حق تعالی و بنده‌ی او قرار داده بود، چند هزار سال پیش از خلقت حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام حق تعالی را عبادت می‌کرد و خوب بود. خدای متعال در قرآن می‌فرماید: "انه کان من الجن ففسق عن امر ربه". این شیطان در قرآن کریم ذکر شده است، تا شکی در مورد وجود او مطرح نباشد. خدا متعال به صراحت فرموده است: "و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون". معنای آن این است که اجنه هم مانند انسان‌ها اختیار و قدرت دارند و وظیفه دارند که بنده‌ی خدای متعال و خالق خود باشند. آن‌ها هم مانند انسان‌ها گروه‌های مختلفی بودند. بعضی‌ها خوش سلیقه بودند و از قدرت انتخاب و اختیار خود استفاده‌ی خوب کردند و توحید و اسلام و تشیع را انتخاب نمودند. بعضی‌ها هم چنین نبودند و منحرف شدند.

بنابراین نکته، خلق شیطان قبل از آدم سلام الله علیه برای این است که اگر ابلیس بعد از حضرت آدم خلق می‌شد، آن افرادی از آدم و فرزندان او که پیش از ابلیس خلق شده بودند، معنی خیر و شر، خوب و بد را، مانند مثال پارچه فروش نمی‌فهمیدند. ولی اگر آن جنس پست و بد را به آدم نشان دادند و به او گفته شد که این موجود قبل از تو خلق شده و دارای اختیار، قدرت و تکلیف است، میزان درک او متفاوت می‌شد. لذا در بین این مخلوقات هم یکی خوش سلیقه درآمد و یکی بد سلیقه شد. یکی هابیل و یکی قابیل شد. قابیل بد سلیقه، هابیل را کشت. حالا تو هم که فرزند این آدم ابوالبشر هستی، همین قدرت‌ها را داری و همین راه‌های گوناگون از خوب و بد در پیش پای تو وجود دارد. اختلاف این دو راه را هم درک می‌کنی و اختیار و انتخاب این مسیر هم با خودت است.

اگر این امر خلقت به عکس واقع می‌شد، این سلسله ناقص بود. یعنی آن فرزند آدم که پیش از ابلیس به وجود آمده بود، نمونه‌ای برای بدسلیقگی را مشاهده نکرده بود. ولی وقتی خلق شد، به او دو گروه از موجودات مکلف را نشان دادند. آن گروه خوب، خود را در یک چارچوبی قرار داده است. هابیل به قابیل می‌گوید که من مثل تو نیستم که می‌خواهی من را بکشی. تا تو به من ضربت نزنی، من دستم را سمت تو دراز نمی‌کنم. هرچند می‌دانم که می‌خواهی من را بکشی. ممکن است در دنیا، پیشدستی در کشتن کسی که به قصد کشتن به انسان حمله کرده است، تقبیح نشود. اما این عمل قصاص قبل از جنایت است و این توجیه صحیح نیست، زیرا انسان آب حیات نخورده است.

شیطان پیش از انسان خلق شد که وقتی انسان خلق شد، یک لحظه هم عمر او در بی‌خبری و جهل و نادانی ضایع نشود، که بگوید من معنای خوب و بد را نمی‌دانم. ظلمی هم واقع نشده است، برای این که ابلیس قدرت و اختیار داشت. قایل هم قدرت تشخیص و اختیار داشت. جبری در کار نبود. آیاتی که در مورد خلقت حضرت آدم علیه السلام و فرزندان او نازل شده، به فرموده‌ی امام راحل رضوان الله تعالی علیه از اسرار قرآنی است. آدم ابوالبشر و فرزندان او نزد حق تعالی بسیار با ارزش هستند و ماهیتشان محترم است. خدای متعال به غیر از فرزندان آدم، نسبت به هیچ کس از موجودات نفرموده است که این‌ها خلیفه‌ی من هستند.

### منظور از خلیفه الله، چهارده معصوم صلوات الله علیهم اجمعین

لقب خلیفه اللهی به فرزندان حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام داده شده است. البته منظور از خلیفه الله که انسان کامل است، چهارده معصوم صلوات الله علیهم اجمعین هستند. نسل ابوالبشر ادامه پیدا کرده تا به موجوداتی مانند اهل بیت صلوات الله علیهم رسیده است. کلمه‌ی خلیفه الله یعنی هر نوع کمالی که در حق تعالی وجود دارد، نمونه‌اش در این چهارده نفر هم موجود است. وکیل تام‌الاختیار یعنی کسی که هم قانوناً و هم شرعاً اجازه دارد از طرف موکل خود هر کاری صلاح می‌داند، انجام دهد. لازم نیست که اوصاف مختلف حق تعالی تک تک ذکر شود و گفته شود که خلیفه الله یعنی موجودی که این صفات را دارا است. مفهوم جانشین برای اهل فهم روشن است.

ابلیس چند صد هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم، مشغول عبادت حق تعالی بود و بنده‌ی خوبی به شمار می‌رفت. اگر همه‌ی عبادت‌های افراد روی کره‌ی زمین را جمع کنند به اندازه‌ی عبادت ابلیس نمی‌شود. اما برای او نماند. بنده هر قدر هم که خوب شود، نباید اطمینان خاطر پیدا کند. "إن النفس لأماره بالسوء الا ما رحم ربی". اگر حق تعالی من را حفظ نکند، من هیچ هستم. حق تعالی ابلیس را به سجود عبادتی و پرستشی امر نکرد، بلکه نسبت به حضرت آدم گفت که من او را خلق کرده‌ام و مصلحت می‌دانم که به او سجده‌ی احترام کنید. یعنی به او احترام بگذارید. مثل خم شدن یا دست بوسیدن به نشانه‌ی تواضع، که بین ما مرسوم است.

وهایی‌ها دیده‌اند که بعضی از شیعه‌ها وقتی که به زیارت اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین می‌روند، خم می‌شوند تا لب یا صورت خود را روی عتبه‌ی آن امام معصوم صلوات الله علیه بگذارند، لذا خیال کرده‌اند که این پرستش است. این پرستش نیست و برای پرستش هم نمی‌باشد. قرآن خواندن و وهایی‌ها از صبح تا غروب پشت حرم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبادت نیست و تلاوت کلام الله محسوب نمی‌شود. آن‌ها سراسر شیطان‌اند و نوشته‌های آن‌ها که اخیراً توسط افغان‌ها به فارسی هم ترجمه شده و در اختیار حجاج ایرانی گذاشته می‌شود، نشانگر این امر است.

### بازخواست قیامت، پس از دارا بودن قدرت تشخیص حق و باطل در دنیا

امکان ندارد که خدای متعال به انسان فهمی ندهد که بتواند تشخیص حق و باطل دهد و بعد در قیامت او را بازخواست کند که چرا حق را انتخاب نکردی. این امر مستلزم ظلم است. در مورد وهایی‌ها هم همین‌گونه است و انتخاب راه باطل، با وجود دارا بودن شعور، موجب جهنم رفتن آن‌ها است و قرآن خواندن زیاد هم فایده‌ای برایشان ندارد.

ابلیس را خدای متعال خلق نکرد که جهنم ببرد، بلکه همه‌ی توانی را که به او داد به انسان هم داد و همه‌ی تکلیفی را که به او کرد، به انسان هم کرد. این آیه نازل شد که خدای متعال سرّ به وجود آوردن این قانون تکوینی را در خلقت خود بیان کند. بدها از رئیسشان شیطان کمک می‌گیرند و قدرت خود را در مسیر بدی و شر بالا می‌برند. خدای متعال

پنج‌شنبه، ۳۰ خرداد ۱۳۹۲

هم مانع آن‌ها نمی‌شود. قدرت را داده است تا امکان بازخواست از انسان در قیامت وجود داشته باشد. یکی از برنامه‌های بدها که با آن برنامه‌ها به خیال خود می‌خواهند برنده شوند، این است که موجودات صاحب اختیار و مکلف را که می‌خواهند با عملکرد صحیح، در قیامت جایگاه خوبی داشته باشند، از اول ضعیف نگه دارند و مانع رشد آن‌ها شوند. اگر قوی باشد، وسیله فراهم می‌کنند که قوت او را بگیرند. اگر بخواهد قوت پیدا کند، مانع می‌شوند.

خدای متعال می‌فرماید: "وَتَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ"، این اراده و تصمیم را دائماً داریم. فعل مضارع دلیل بر استمرار است. یعنی یک قانون کلی است که اختصاص به زمان حضرت آدم، یا به زمان فرعون، یا زمان ما بعد آن ندارد. ما اراده کرده‌ایم و این کار را می‌کنیم که دست بدها و شرها و شیطانی‌ها خیلی بازتر از خوب‌ها باشد. به دلیل این که قرآن راجع به هابیل و قابیل گفته است، که می‌دانم تو دستت را دراز کرده‌ای که من را بکشی، ولی من سمت تو دستم را دراز نمی‌کنم. چون هنوز تو من را نکشته‌ای. گرچه بعد از مرگ نمی‌توانم قصاص کنم، اما خدای متعال جواب می‌دهد و می‌گوید عاقبت کار با کسانی است که آدم‌های خوبی هستند و به تکلیف عمل کرده‌اند. هر چه قدر بد زیاد باشد، خدای متعال عاقبت را، که شامل خیر دنیا و خیر آخرت است، به خوب‌ها می‌دهد. کلمه‌ی وارثین در آخر آیه اشاره به مال و مقام و ثروت و خیر مادی و کلمه‌ی امام در آیه‌ی کریمه اشاره به خیر معنوی دارد.

این دنیا برای گروهی هیچ سود و بهره‌ای نداشت و تحت سلطه بودند تا مردند، اما باید توجه داشت که قرار نبود انسان در دنیا بماند. روایات می‌گویند که دنیا قنطره است. سلیقه‌ی بعضی از افراد در تربیت فرزند این است که فرزند در حدی قدرتمند باشد که کسی نتواند حق او را پایمال کند، اما سلیقه‌ی پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله و امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چنین نبود. نوشته‌اند که حضرت در خانه نشسته بود و افراد خانواده او را مورد جسارت و اهانت و اذیت قرار دادند. این آقا همان آقای است که در قبرستان بقیع گفت، اگر یک نوک کلنگ به صورت یکی از این قبرهای نو بخورد، احدی از شما را زنده نمی‌گذارم. در مورد این مطالب باید بسیار فکر کرد.

### روش مناسب برگزاری جشن‌های مذهبی

در ولادت ائمه‌ی طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین، با شعرهای سبک وقت جوانان را ضایع می‌کنند. رهبر بزرگوار خطاب به مداحان و شعرا صریح گفت که از چیزهایی که نوشته‌اند و خوب و صحیح است و سطح فکرتان را بالا می‌آورد شعر بسازید. پدر بزرگوار حضرت علی اکبر سلام الله علیه فرمود: خدایا ما هر وقت مشتاق زیارت پیامبر تو می‌شدیم به روی او نگاه می‌کردیم. برای این که او خَلَقاً و خُلُقاً و منطقالا شبه الناس به رسول الله بود. این‌ها را به شعر دربیابید. کسی که می‌گوید من فرق فلان مجلس جشن به مناسبت نیمه‌ی شعبان را با روضه نفهمیدم، خودش شیطان است. این حرف مال شیطان است. امیرالمؤمنین صلوات الله علیه دومین شخصیت انسان کامل در جهان هستی بود. ایشان که هم همین حرف‌ها را می‌زد، چقدر مطیع داشت؟ وقتی گفتند که ما این قرآن‌ها را با تیر نمی‌اندازیم، آیا فکر کرده‌اید که قلب مقدس حضرت چقدر به درد آمد؟ فرمود من حاضرم هفت-هشت نفر مانند شما را بدهم و یکی از سربازها و مریدهای معاویه را بگیرم. در برخورد با چنین مجالسی بهترین عملکرد ترک مجلس است.